

# مروری بر سیر تکوینی استخدام کشوری

گردآوری و تنظیم: بهجت الملوک مظفری

مقدمه: در شماره‌های پیشین نگاهی داشتیم بر امر استخدام در چند کشور و سپس چگونگی بیدایش امور اداری و استخدامی در ایران باستان را با بررسی دوره‌های مادها، هخامنشیان، زمان اسکندر و دوره سلوکیها آغاز نمودیم، اینک گذری داریم بر دوره‌های اشکانیان و ساسانیان.

## ۵-۱- دوره اشکانیان

نخستین حکومت عبارت از حکومت ریش سفیدان و پیران بود که شکل حکومت پدر فرزندی یا ملوک الطوائفی و ایلیاتی را داشت و موروثی بود، در این زمان چند خانواده تیره‌ای را تشکیل می‌دادند که عبارت بود از ساکنان هر آبادی کوچک و این گروه کوچک را «ویس» می‌نامیدند. چند «ویس» گروه بزرگتری را تشکیل می‌داد که به آن «گنو»<sup>(۱)</sup> می‌گفتند چند «گنو» یک بخش را تشکیل می‌داد که به آن «دهیو»<sup>(۲)</sup> می‌گفتند. مردم نیز به سه طبقه تقسیم می‌شدند: گروه اول «ویس» گروه دوم «گنو» و گروه سوم «دهیو» سران «ویس» را «ویس پت»<sup>(۳)</sup> سران «گنو» را «گنوپت»<sup>(۴)</sup> و سران «دهیو» را «دهیوپت»<sup>(۵)</sup> می‌گفتند. بعد از چندی چون فرماندهی میدانهای جنگ با «دهیوپتها» بود ایشان به تدریج اختیاراتی بر اختیارات خود افزودند. این سه طبقه در دوره‌های تاریخی به عناوین و اسامی مختلف دیگر امتیازاتی داشتند و نجبا و اشراف ایران را تشکیل می‌دادند.

در این دوره مختصات ایالات و قبایلی که تازه سرکار آمده بودند به دموکراسی قبیله‌ای نزدیک شد و از اینرو اختیارات شاه محدودتر گشت و بهستان مرکب از خاندانهای اشرافی، انجمن فرزندگان و مغان در تعیین شاه و عزل و نصب او تأثیر بسزا داشتند. به این ترتیب رابطه تولداران بزرگ با رعایای خود خیلی محکمتر از

1- Gau

2- Dahyu

3- Vis - Pat

4- Gau - Pat

5- Dahyu - Pat

رابطه شاه (بزرگ تیولداران) با خود تیولداران بود.

در دوره امپراطوری اشکانی ایران به هفت حکومت بزرگ که در رأس هر حکومت یک شاه از خانواده اشکانی که از جانب پادشاه بزرگ منصوب می شد فرمانروایی می کردند. هر حکومت به نوبه خود از چند امیرنشین تشکیل می گردید که از حکومت مرکزی خود اطاعت می نمودند و سالانه مسالغی بعنوان باج می پرداختند. حکومت‌های امیرنشین در امور داخلی خود مستقل بوده و به هنگام جنگ هر حکومت محلی بخشی از نیازهای حکومت مرکزی را تأمین می نمودند.

در دوره اشکانی ظاهراً استقلال ولایات و کشورهای تابعه بیشتر و قدرت و نفوذ دولت مرکزی کمتر بود به همین جهت مورخین مشرق آنرا عصر ملوک الطوائفی ایران قدیم نام نهاده‌اند زیرا اشکانیان در آغاز حکومت، با تمدن یونان و سلوکیها آشنایی بیشتری داشتند و این امر و پیروی از روش سلوکیها سبب رواج حکومت ملوک الطوائفی گردید و قسمت بزرگی از این کشور پهناور زیر سلطه شهریارانی قرار گرفت که ظاهراً فرماندار اشکانی بودند و مرکزیت از بین رفت.

در زمان اشکانیان دو عامل ذیل سبب تغییر سیر مدیریت جامعه گردید :

۱- بونری نژاد - به طوریکه در تاریخهای عمومی آمده اشکانیان از قوم پارت بودند و ایرانیان نژاد اشکانی را پایین تر از خود می دانستند و از نظر نژاد، ملیت و سابقه حکومت خود را برتر می دانستند و علاقه‌ای نسبت به شاهان اشکانی از خود نشان نمی دادند.

۲- مذهب - علاوه بر اینکه پرستش آفتاب و ماه و ستارگان بین اشکانیان معمول بود مغها نیز در دربار آنها نفوذ داشتند با این توضیح که مغها یک طبقه محدود روحانی نما بودند و برنامه آنها این بود که نجای ایران را تضعیف نمایند. اما ایرانیان دارای مذهب زردشت بودند و از نظر دینی نیز برای خود برتری قایل بودند. نتیجتاً با اختلافاتی که در خانواده اشکانی پیدا شد سرانجام اردشیر پادشاه پارس بر اشک ششم پادشاه اشکانی شورید و مسیر حکومت و اداره امور در ایران تغییر یافت.

## ۱-۶- دوره ساسانیان

در دوره ساسانیان ایران در حقیقت مجموعه‌ای از دولتهای متحد یا حکومت‌های مستقل بود که اغلب آنها حکمرانانی داشتند و مقام آنها از پدر به پسر می رسید و تنها در کلیات تابع و فرمانبر شاهنشاه بودند و هر یک از آنها عنوان مخصوصی داشتند که مشتق از نام نژاد یا تیره‌ای بود که بر آنها حکومت داشتند و یا نام سرزمینی که فرمانروای آنها بودند آنها را گاهی با شاه و گاهی خدا و یا القاب دیگری می نامیدند و همه آنها از رئیس و فرمانده واحدی اطاعت می کردند که بنام شاهنشاه مسئول سرنوشته همه ولایات و کشورهای مختلف بود. در

زمان ساسانیان تشکیلات اداری منظمتر گردید و برای اداره امور مالیاتها استخدامهایی به عمل آمد. در دوره ساسانی ابتداء مردم به دو طبقه تقسیم می شدند نجیب زادگان دسته اول را «ویس پوهان» و دسته دوم را «دهگان» یا دهقان می گفتند، طبقه دیگری بنام دهیویتها بودند که در حقیقت امیران و پادشاهان کوچکی بشمار می رفتند که نسبت به شاهنشاه ایران حالت فرمانبرداری و دست نشاندگی داشتند.

همانگونه که در دوره اشکانی اداره کارهای کشور به هفت خانواده مهم که نماینده نجیب زادگان ایران و آریاییهای اصلی بودند سپرده شده بود ساسانیان نیز همان اصول را رعایت کردند فقط بجای خانواده اشکانیان، ساسانیان را گذاشتند که از مادر از همان خانواده اشکانی بودند.

این خانوادهها هر کدام سرپرست قسمتی از کشور ساسانی بودند یعنی ناحیه بزرگی به آنها سپرده شده بود و عایدات آنها را برای مخارج خود وصول می کردند.

اغلب مورخان از ایالاتی که در آن زمان تحت حکمرانی بدخشها (شهربان) و پادشاهان جزء اداره می شد نام برده اند. علاوه بر ایالات بزرگ ولایات کوچکتری هم وجود داشت که هر کدام تحت فرماندهی یک نفر مرزبان اداره می شد.

در زمان ساسانیان اختیارات و اقتدارات لشکری مرزبانان بر اختیارات کشوری آنان برتری داشت که علت آن تمرکز شدید دولت ساسانی بوده است. در این عصر تقسیم ایالات به بخشها مبتنی بر مقتضیات اداری بود و هر یک از بخشهای کوچک (که آنرا شهروکرسی یا شهرستان می نامیدند) زیر نظر «شهریک» اداره می شد. شهر یک از میان دهقانان انتخاب می گردید. دیه و مزارع تابع آنرا روستک یا رستاق می خواندند که تحت نظر «دیهیک» اداره می شد. حکومت از شاه و صدر اعظم (که طبق فرمان شاه به امور کشور رسیدگی می کرد) تشکیل می گردید و علاوه بر صدر اعظم سه شغل مهم دیگر عبارت بودند از: ۱- رئیس امور کشوری، ۲- داور دعاوی، ۳- رئیس وصول مالیاتها، البته این عناوین در خانواده نجبا موروثی بود.

از مختصات حکومت ساسانی مرکزیت کامل بود. وضع ملوک الطوایفی زمان اشکانی خاتمه یافت و قدرت و نفوذ دولت در سراسر کشور بسط پیدا کرد. در شهرستانها و بخشها و دهستانها نمایندگان و مأمورین دولت اداره امور عمومی از قبیل امنیه، مالیه، دادگستری و غیره را در دست داشتند. اداره شهرستان با مرزبان و اداره بخش با شهریک و اداره دهستان با دهیک بود. سازمان دفتر و دیوان مالیات مخصوصاً مالیات ارضی یعنی خراج ساسانیان مشهور است. طبقه دهقان طبقه ممتاز مردم روستا و ده نشین بودند و در اداره امور دهستان و وصول و ایصال حقوق دیوانی سمت نمایندگی داشتند. امور قضائی و اداره مدارس و موقوفات خیریه و نیز انجام بعضی مراسم از قبیل نکاح و طلاق با طبقه روحانیون بود و دادگاههای روحانی فقط به دعاوی بین افراد مردم رسیدگی می کردند و برای رسیدگی به تقصیرات سیاسی، نظامی و اداری مأموران دولت مراجع دولتی دیگری وجود داشت. از اختیارات عمده این سلسله دو چیز بود:

### ۱- تعیین دین رسمی، ۲- تمرکز در امور،

دولت ساسانی سازمان اداری و دیوانی بسیار مفصل و منظمی داشت. یکی از مشخصات حکومت در این دوره پیدایش تشکیلات طبقاتی بود که از چهار طبقه تشکیل می شد و هر طبقه برای خود یک رئیس داشت که در دربار شغل خاص را دارا بود و این چهار طبقه عبارت بودند از:

۱- روحانیون شامل، دادوران، علماء دین (مغان، مُوبدان، هیربدان) معلمان و دستوران، در دوره ساسانیان روحانیون در دستگاه دولت مورد توجه پادشاهان بودند و نفوذ آنها از این جهت بود که مذهب از مؤسسات رسمی دولت بود و در تمام شهرستانها سازمان مفصلی داشت و نظر به ثروت زیادی که از راه عشریه و صدقات و جرایم عاید روحانیون می شد آنها قدرت زیادی داشتند ریاست آنها با مُوبدان مُوبدبود و شخص پادشاه او را به این مقام منصوب می کرد. از اختیارات مُوبدان مُوبد یکی آن بود که اگر در بعضی نواحی نسبت به دین رسمی کشور مخالفتی می شد، بنا به رسم زمان محکمه خاص برای شخص تشکیل می شد و شخص مُوبدان مُوبد در آن محکمه دخالت می یافت.

اختیاراتی که از طرف شاهنشاه به طبقه روحانیون داده شده بود عبارت بود از:

الف - اداره امور قضایی؛ ب - اداره مدارس و موقوفات؛ ج - مراسم نکاح و طلاق؛

۲ - جنگیان مشتمل بر دو صنف سواره و پیاده

۳ - دبیران (مستخدمین ادارات) نویسندگان قراردادها و پیمانها و اجاره نامه ها، منشیان، نویسندگان احکام محاکم، مورخان، پزشکان و منجمان.

در دوره ساسانیان سیاستمداران واقعی و مدیران امور داخلی کشور طبقه دبیران بودند که به آنها اختیارات لازم واگذار می گردید. طبری در مورد وزیران و دبیران می گوید «که گویی دو دسته از بزرگان هستند که قائم مقام یکدیگر می شدند»

۴ - کشاورزان، پیشه وران، صنعتگران و شهربانان

در این دوره پادشاه بر تمام طبقات، ریاست عالی داشت و مانوق دستگاه حکومت مرکزی و فرمانده کل قوا بود. بعد از پادشاه وزیر بزرگ (وزرگ فرمذار) و دراندرزید بود که لقب اخیر به معنی مستشار دربار بکار گرفته شده است. در دوران سلطنت انوشیروان و زیر بزرگ در غیبت پادشاه نایب السلطنه هم محسوب می شده است.

در آن دوران در اداره امور عمومی و مدیریت اصل تفوق نژاد حکمفرما بود و افراد طبقات غیر دیوانی در کار مملکت نمی توانستند مصدر خدمات شایسته شوند.

### تشکیلات اداری ساسانی

تشکیلات اداری ساسانی نسبت به تشکیلات مشابه خود در دوره اشکانی وسیعتر و منظمتر و متمرکزتر بوده است ولی رویهم رفته می توان نتیجه گرفت که تشکیلات اداری این زمان اقتباسی از تشکیلات اداری

هخامنشی که اصطلاحاً بدان دیوان خطاب می‌کردند، بوده است.

به دلیل انهدام دفاتر و کتب ساسانی در حمله اعراب اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی برحسب تحقیقات دانشمندان غربی و مورخین اسلامی تشکیلات اداری اموی و عباسی تقلیدی کامل از تشکیلات باشکوه ساسانی بوده است. چون اعراب بدوی از خود تمدن درخشانی نداشتند حتی ناچار به اقتباس از مسکوکات ساسانی شدند و بر روی سکه های منقش به تصاویر بهرام گور و آتشکده آذرگشسب جمله لا... الا... را حک می نمودند.

تحقیقات دانشمندان ایران شناس فرانسوی «هانری ماسه» و پروفیسور «ژان گازه» در این مورد ثابت ساخت که قدرت اداری دودمان ساسانی نخست در سال ۲۲۴ قبل از هجرت بدست اردشیر بابکان متشکل و متمرکز گردید و سپس در دوران سلاطین دیگر گسترش و تکامل یافت. اردشیر تشکیلات اداری را که از هخامنشیان و اشکانیان به وی به ارث رسیده بود تجدید کرد. در زمان وی برحسب گفته پروفیسور هانری ماسه کارمندان اداری بی نهایت قوی بودند و بر کلیه امور مملکتی در مسایل (تجاری، گمرکی، مالیات، راه، پستخانه، دفاتر، ضرابخانه، خبرنگاری، امنیتی و غیره) تحت نظر بزرگ فرماندار مسلط بودند و شخص اخیر که رئیس کل تشکیلات اداری مملکتی بود تحت اراده شخص شاهنشاه انجام وظیفه می نمود.

تحقیقات دانشمند دیگر فرانسوی پروفیسور «کلمان هوارت» در تألیف خود (تمدن ایران کهن) قسمتی از تشکیلات ساسانی را به شرح ذیل می نویسد:

**اول: دفتر مخصوص سلطنتی و اداره امهار: سلاطین ساسانی نظیر شاهان هخامنشی از خود دارای امهار عدیده و مختلفی به شرح ذیل بودند:**

- ۱- برای امور مربوط به دفاتر مخصوص و رمز
  - ۲- برای مهر نمودن نگارشهای منشیان مخصوص و متصدیان نگارش نامه ها
  - ۳- برای دادن القاب و عناوین به مأمورین
  - ۴- برای مهر قوانین و احکام مراجع دادگستری (علیه محکومین)
  - ۵- برای مالیاتهای مختلف و امور مالی و نظایر آن
  - ۶- برای اعزاز مأمورین در موارد مربوط به نحوه مأموریت آنان و غیره
- هریک از امهار مذکور دارای شکل و تصاویر مخصوص بودند که اغلب از طلای خالص ساخته شده و در دست مهرداد باشی و یا مهردادان سلطنتی قرار داشت.

**دوم: سازمان بایگانی سلطنتی یا دافیتاتری بازیکهها** (حسب نوشته های سخته زیاس) که اقتباس از دفاتر بایگانی دوره هخامنشی بود. در این سازمان اوراق و نامه های اداری مربوط به سوابق مکاتبات دولتی و اداری مضبوط و ثبت می گشته است.

**سوم: سازمان خزانه داری** این سازمان دارای واحدهای فرعی زیر بوده است:

الف - خزانه      ب - دفتر      ج - ثبت      د - حفاظت

چهارم: سازمان امنیت عمومی که به تمام ساتراپها، استانها، مأمور می فرستاد و در همه نقاط کشور شعب کسب اطلاعات و خبرنگاری داشته است.

پنجم: سازمان طرق یا حفاظت راهها

ششم: سازمان پست یا چاپارخانهها

هفتم: سازمان پول

هشتم: سازمان اوزان و مقادیر

نهم: سازمان املاک سلطنتی

دهم: سازمانهای ارتشی و پلیسی و غیره ...

کریستین سن در تاریخ ایران در زمان ساسانیان از قول ابوالسعید ذکر می کند: پادشاهان ایران هیچ کاری از کارهای دیوان را به مردم پست نژاد نمی سپردند. اما در دوره بعد و آزادی فردی امکان اشتغال افراد عادی در مقامات بالای دولتی بیشتر شد و مثلاً نادرقلی افشار بر اریکه قدرت نشست، شاهان ساسانی خود را از نسل هخامنشیان می دانستند و اغلب همان دستگاه اداری سابق را نگاه داشتند.

پادشاهان ساسانی بنای دولت خود را بر تصویب آداب و رسوم ملی ایران گذاشته بودند، هر چند آن بنا پس از ظهور اسلام و حملات عرب و روی کار آمدن حکومت مذهبی، خلافت امری مذهبی شد.

یکی از اصول مدیریت پیش بینی و طرح نقشه و ایفای نقشهای لازم برای اداره امور در موقعیتهای خاص است، در پایان دوره ساسانی این عمل انجام نشد و برخورد فرهنگ و تمدن دوره ساسانی با حکومت عرب در ایران موجب شد که تشکیلات مملکت و به طور کلی سیر تمدن و تاریخ ایران عوض شود.

پس از کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی سرداران عرب در عصر خلافت خلیفه سوم تمام خاک ایران را متصرف شدند و دو قرن ایران تحت سلطه عرب بود و به علت پیوستگی ایران و روم به اسلام تمدن و مدیریت ایران و روم به یکدیگر منتقل گردید.

(ادامه دارد)